

گفت‌وگو با سیاوش جمادی درباره زندگی اخلاقی و مصائب آن

اخلاق از «دیگری» آغاز می‌شود



شمار می‌آید. لذا معتمد اخلاقی مطلق که صرفاً بر اساس تکیه بر تفکات است، کارش به جای بارگی می‌شود که با جهان قدس مدار امور به سوی سنجش می‌تواند داشته باشد. اخلاق تکلیف‌مدار در هر روز که هر خدس سر نظر از قومیت و ملیت نژاد، دارای حق و حقوقی می‌داند، به یک استبداد و پرازمی می‌فرجام بدست خواهد شد.

در حال حاضر دیدگاه من، چیزی که بتوان نام اخلاقی را روی آن نهاد، علم است. اگرچه از جداسازی و جدا سازی اخلاقی و اخلاقیات از بین فضا و جوی خلیج آن و خلیج آن را نیز، به سرانجام اجباری در انتظار ما خواهد بود.

چایگاه اخلاقی عرفی و بستنی را نسبت به
چایگاه بی اخلاقی چطور می بینید؟
در جهانی که بیشتر مردم اخلاقی و مبانی آن را
نمی شناسند و «عرف» در ریافت می کنند، محتمل است
که اشراک یک جعبه در خدمت اخلاقی در ریافت به
مبانی اخلاقی سنتی، اعمالی غیر اخلاقی انجام بدهند.
در موضوع اخلاقی، خود ضررات مسأله مورد بحثی
است. این سوال پیش می آید که ضررات مقدم بر
فوائد است یا ضررات است یا ماحول ضررات مقدم بر
فوائد ضررات است؟ بهطور مثال در جامعه ای که
در آن اعتیاد دارد، مفاسد، اعم از مفاسد مالی و
نشیانی های دنیائی، اینها را اینها را
نسبتاً و تعاملات قدرت است
است، بلکه افرادی خود را در
نشیانی های دنیائی، اینها را اینها را
نسبتاً و تعاملات قدرت است

اخلاق مطلقى كه صرفا مبتنى بر تكاليف است، كارش به جاهاى بارىكى مى كند كه با جهان حق مدار امروز، هيچ سنگيني نمى تواند داشته باشد. اخلاق تكليف مدار در جهان امروز كه هر كس خود را صرف نظر از قوميت و مليت و نژاد، دارى حق و حقوقى مى داند، به يك استبداد قهر آميز و فرجام مدلل خواهد شد.

جایی که در قلمرو عمومی بوده، بدون شک از بی‌اخلاقی بهتر است. اما همین که به ابزاری برای برده‌ها و مناسبات قدرت تبدیل می‌شود، ارزش اخلاقی خود را از دست می‌دهد.

کوبانی که محک است! محکی که همه کشورها دولت‌ها را مورد آزمایش قرار می‌دهد. یک لحظه برتر، یعنی از دست دادن جان یک انسان. اما خیالی از کشورها و دولت‌ها چنین نگاهی به این سلسله نداشتند و در اندازند. اغلب آنها شروع کردند به حسابگری و سنجش مصالح و منافعشان که اساس مناسبات قدرت است، نه اخلاق.

پای انجام عمل اخلاقی، چه پیش نیازهایی برای وجود داشته باشد؟

در دیدگاه من انسان‌ها در شرایط اضطرار و فقر و

شویش برای زنده ماندن و هراس از دستگیری شدن هراس از قدرت زدن می کشند افراد معدودی از ادیان وجود داشته باشند می شود و هراس از خداوند و دارای اخلاقی و «وجدان» باشند تا عامل اخلاقی انجام ندهند. این که نتیجه مهمی است که برای افراد انجام اخلاقی، صرف اخلاقی نمی تواند کافی باشد. وجود وجدان نیز باید همراه باشد تا با اخلاقی مطابقت پیدا کند. زیرا افراد معدودی که دارای اخلاقی هستند و نمی شود عملی غیر اخلاقی را به نفع سرزند، کسی نمی تواند رفتار اخلاقی داشته باشند. هر چه من هر چه می کشم، دلیل این رفتار عملی اخلاقی می باشد. هر چه می کشم، دلیل این رفتار عملی اخلاقی می باشد.

منشأ اخلاق درونی انسان چیست؟
 شما حتما متوجه این نقد بخت در عملی، کانت را می‌خوانداید که با لاقابل یا انشعایی دارد. کانت در پاسخ به این چالش قابل نامندی دارد، دو چیز همواره در موجب حیرت من گشته است، یکی قانون اخلاقی که فراتر از نهاد من است؛ و دیگری آلمان پرستاره که فراتر از من است؛ که منشأ اخلاق درونی انسان است. نظریه‌های اخلاقی بسیاری، مناقشات و بحث‌های زیادی در این زمینه کرده‌اند که اگر وارد آن مباحث شویم، بیرون می‌ماند از آنها بحث می‌خواستم.

ویژگی انسان اخلاقی چیست؟
 خیلی ساده است؛ کسی که
 قانون، طلایه اخلاق، رعایت

باریکی
چهار
هیج
نداشته
سیف‌مدار
هر کسی
از قومیت
دارای
بداند، به
رومیز و
شده

اخلاقی تر شود، دایره احساس مسئولیتش نسبت به دیگری وسیع تر خواهد شد. به طور مثال اگر بزرگترین واحد مدنی، خانه باشد و بیرون خانه، هیچ همسنگی و مدنیته وجود نداشته

باشد و فقط فضای باشد که افراد تنها و بی ارتباط
تلاش خود را بچسبند و به دنبال منافع خودشان
باشند. این جامعه، جامعه‌ای ادعا می‌کند به‌همراه
می‌آید، هر چند افراد در آن جامعه ادعا کنند که
خودخواه‌هاشان خدمت می‌کنند. پول درآوردن از
هر راهی، مشخصه یک جامعه از لحاظ اخلاقی
و به سقوط است. در این جامعه، هر شخصی به
تلاش زنده ماندن و صیانت شخصی‌اش خود
خودخواه، خانواده خود است. در صورتی که
حکومت اخلاقی، دایره مسئولیت و سبقت‌رایی دارد

و در نظر می‌گیرد کاری که انجام می‌دهد، روی تمام انسان‌های کشورش، یا از آن فراتر، تمام انسان‌هایی که در جهان زندگی می‌کنند، یا فراتر از آن، روی نسل‌های آینده، چه تاثیری دارد یا خواهد گذاشت.

اخلاق از «دیگری» آغاز می‌شود؛ مفهوم اخلاق، دیگری است. برای ارزیابی اخلاقی بودن یک فرد، باید دید که به چه میزان «دیگری» را در نظر می‌گیرد. لذا انسان اخلاقی در نظر من، فراتر از خانه و جمعیت کوچکی که خودش به آن وابسته است را در نظر می‌گیرد. اخلاق، به انسان، صرف انسان بودنش توجه می‌کند؛ فارغ از هر چیز دیگری.

بهای زندگی اخلاقی چیست؟
زندگی اخلاقی، البته به بهای گزافی تمام می‌شود. از گزافی و ندراری گرفته تا گرفتار شدن و مشکلات دیگر، بهای مراعات این حق در بسیاری از کشورها تا این اندازه بالا رفته است که فردی که برای استیفاقی حقانیت اخلاقی تلاش می‌کند، دستگیر و به او انگشتی بالا می‌نهد.
زندگی می‌شود. در صورتی که اینها خود، نهایت بی‌اخلاقی است. این برای یک مثال در حوزه سیاست خارجی می‌باشد. این مثال‌ها را دیگران ذکر کرده، شاید فرد اخلاقی، نتوانیم و نمی‌تواند.

دیگران باشد، اما قطعاً خوشبخت‌تر از کسانی است که اخلاق را زیر پای می‌گذارند. فردی که با فقر و بی‌پولی زندگی را می‌گذراند، از فرد یا افرادی که از ثروت ملی می‌دزدند و تولیدی به اندازه تولید یک

به چند نمونه از مصادیق بی‌اخلاقی‌های امروز اشاره کنید

مصادیق دیگری که وجود دارد، پرهیز پرهیزی در محیط کار است که کارفرما، صرفاً به خاطر سود بیشتر، حداقل حقوق را به کارمندان یا کارگران زیر دستش می‌دهد. کارمندان و کارگرانی که از میان بسیاری افراد، دوستی با زاهدانند تا از میان پرهیز برسد به هیچ‌دستی نمی‌توانند کارشان را از دست بدهند. اینها تنها مصادیق بی‌اخلاقی که مصداق استعمار و پرهیزی است. هر چانه‌است. بسیاری از افراد که تمام عمرشان را صرف زنده ماندن می‌کنند و برای خودشان احساس خوشبختی می‌کنند که دارای شغل و کاری هستند.

زندگی و حقوق یک معلم مدرسه را با فردی که هیچ کاری نکرده است جز ساخت و پاخت و دروغ، بعضی می گویند نباید نام آنها را افشا کرد، مقایسه کنید. اینها همه عین بی اخلاقی است که من هم در آنها سهیم هستم. من و همه کسانی که به تماشای ظلم اخلاقی نشستیم که به مردم اطمینان می شود.

اسماعیل قدیمی
استاد دانشگاه

هر عالمی، ادبی دارد. ادب در باطنی ترین
مغزهای خود، تجلی نسبت میان آدمی و هستی
است. ادب ظهور معنایی است که ما از خود
و دودمان در عالم دریافت می کنیم. اما در فهم
و تامل ادبی، و اجتماعی، و ادب اصطلاحاً را عین
ظواهری می دانند است که با تأیید معاصر اهالی آن
تولید همراه است و عدم رعایت آن نشانه‌های
تقصیر آنها را در پی دارد. متناسب با بنیان‌های
گوناگونی هر حوزه تمدنی، ادب آن عالم به
تفاوت‌های قابل توجهی در قیاس و مقیاس
تولید، پخش و دریافت، و در نهایت، در

در این پژوهش مدنی گفته می‌شود. به توجیهی مدنی یعنی این که شهروند جامعه مدرن در مواجهه اتفاقی با رهگذران آشنا، به جای آغاز گفتگو و احوالپرسی، تعاقب می‌کند و از کنار آنها بی‌اعتنایی می‌گذرد. بندر جدید غم سعی وافرایی که در تحریر کشتی‌دوایی جلب نظر دیگران دارد ولی باطنش از بوی نامدیان می‌هراسد. او خاص می‌بوشد، خاص آرایش می‌کند، خاص می‌خورد، خاص حرف می‌زند. اما در حال به اعتنا از من دریا

می‌ماند. بنابراین می‌توان گفت ادب زندگی جماعتی در کلاشهرهای مدرن دقیقاً نوعی یادگیری در اجتماعات دیگر است. در کلاشهرهای مدرن، آنچه که عرفا رفتارهای مرموز و صمیمی خوانده می‌شود، به نوعی تفاسیلی و مزاحمت تعبیر می‌شود. بر همین اساس، شهروندان مدرن حتی وقتی رهگذری می‌خواهد از او وقت را بپرسد یا در پیدا کردن مسافتی از او کمک بگیرد، احساس عدم امنیت نکند. مثالی که ادب اجتماعات ایران پیش از یک دهه، دشمنی برقراری از اتباع بیگانه بودی و قیاف رفتارهای اجتماعی است که به بهانه‌های کواکرمات و گزری میان افراد شکل می‌گیرد.

برخی فلاسفه تاریخ معتقدند شهروندان در جهان شهرها هرچند ظواهر ادب و اخلاق اجتماعی را رعایت می‌کنند، لیکن عمیقاً بی‌ادب، خام و بی‌بهره از تربیت انسانی و اجتماعی‌اند.

ادب و اخلاق اجتماعی
نہایت فاعالت ظاہری

است که نوعی تشخیص
جماعی به آنها می‌دهد،
ایران نماد هویت
بر حساب نمی‌آید.
تنها احساسات خوب
می‌پوشاند، پدشانی
روایت می‌کنند، صف و
عزت را مراعات می‌کنند
و در مشروطه تا کاسیایی
هرف هری نمی‌زنند و... این
دلیل عموماً نوعی رفتار
پادشاهی از عادات و بدون
ترابط باقیه و احساس
مقام استانی است. به
بارتاری ادب ظاهری

شهر وندان مدرن، با نوعی
ای ادبی و بی تعهدی
عمیق، باطنی، هم‌نشین

می‌شود که ناشی از سرگستگی او و عین
سگستگی و جدا افتادن او از معنای اصل
نیات است. به‌طور مثال از یک رهگذار خوش
بایست انتظار نداشت، هنگامی که او دو گداز را
در حال زده و خود می‌بیند، پادشاهی کند و
نظاره‌ها به صلح و اتحاد می‌شود که اگر کسی
او را تقاضای کمک می‌کند باید با احساس
برای او وقت بگذارد؛ یا شنیدن صدای گریه و
شیون از خانه همسایه، جوابی احوال او شود.
او خود را می‌گمرد و بای توچهی مدتی به
خود می‌پزد.

فقهایی چون احرام به دیدگان، تواضع،
رامش، صبر، سبک‌بازی و پیری و... همگی
مفاهیمی مشترکند که روانشناسی جدید،



ذره بین

تشخیص اجتماعی صرف، اخلاقی نیست

به کرات از آنها به عنوان ادب اجتماعی و اخلاق عمومی یاد می‌کند. اما تفاوت بنیادینی در تلقی از این مفاهیم به تفکیک دینی از آنها دارد. بسیار دشوار و سنجیده‌ای که روایتش خوش لباس و مستحسبی به آرای شهروندان به این ابرام، صبر و رعایت حقوق دیگران فشار می‌دهد است. استنادات و مشاوران و مدارک آن اجتماعی شدن، درواقع به شهروندان می‌آموزد که رفتاری را بپذیرند تا زندگی برای آنها و دیگران لذتبخش‌تر باشد. این هیچ‌گاه به این سوال پاسخ داده نمی‌شود که چرا شهروندان کمتر به آموزش‌هایی که به پیروان می‌دهند، می‌شوند.

اخلاق و ادب در سبک زندگی مدرن، بهرغم اشتراک در صورت الفاظ، اما تفاوتی مبنایی با اخلاق و ادب در سبیک زندگی ایرانی دارند. به اصطلاح گفتمانی می‌شود این دسته از مطالبی را چهار افروگلاست؛ با تقلیل و تعویل در معانی، شسده‌اند اخلاقی و ادب در تلقی دینی، متصف شدن ظاهری به برخی اوصاف یا رعایت قواعد صوری اجتماعی به عنوان به عبارت صبر، تواضع، ارشاد، عزت‌دینی و... نه بعنوان مجموعه رفتارهایی که باید آموخته شوند یا قیامی که باید رعایت شوند که بعنوان املاکات نفسانی؛ شناخته می‌شوند. علامه طباطبائی (رحمه‌الله علیه) صاحب تفسیر المیزان، در این باره می‌فرماید:

«علم اخلاقی عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست برای این هدف بحث می‌کند که فضایل را از رذایل جدا سازد.»

نوعی تعریف است و تعاریف مشابه، اختلافات فراوانی دارد. از خالق و خلق تا سیاسی و اخلاقی و تجلیات ظاهری آن در شکل رفتار ظاهری و اندام اجتماعی دیده می‌شود. به همین عنوان اسلامی اسلام را ذاتی دانسته و از مباحثات با وفاداران و آنچه از او سر می‌آید، در ملامت و نفی او حاصل ترکیبی است که «واجب» آن شده است. در تکریم اسلامی، فضایل اسلام در مرحله‌ای است که در وجود انسان «محقق» می‌شود و در واقع انسان طی مراتب سلوک «واجب» این مرتبه می‌شود و فضایل به صورت «واجب» در ملامت نفس او درمی‌آیند. علت اینچنینی از اخلاق فضایل و همچنین با ذکر خلوت و ریاضت و استقامت و نهمه آموزش‌های اسلامی شهرت می‌یابد. در توصیه‌های اسلامی است:

می‌مدن،
 در صورت
 «مبتنی است»
 یک زندگی
 درسته از
 و کاسته
 رعایتی
 مع، از اوضاع،
 به عنوان
 که باید
 نودعی که
 که عنوان
 به شناخته
 د

[illegible]